

بیست سال ادبیات کودک و نوجوان پس از انقلاب را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ادبیات کودک و نوجوان پس از انقلاب چگونه ارزیابی می‌کنید؟

داستانهایی که درباره شخصیت پیامبر و برای کودکان و نوجوانان نوشته شده‌اند، به شخصیت آن حضرت در دوران جوانی و بزرگسالی اشاره دارند؛ در حالی که در کشورهای غربی، اگر بخواهند شخصیتی همچون ژاندارک را به بچه‌ها معرفی کنند شخصیت و دوران کودکی او را بیشتر مورد نظر قرار می‌دهند و به گونه‌ای به داستان می‌پردازند که آینده بزرگسالی ژاندارک را در کودکی منعکس کنند. آنها بیشتر توجهشان را به کودکی این اشخاص اختصاص می‌دهند. به عبارتی آن‌ها زندگینامه بزرگان خود را با دیدی زنده و تازه می‌نویسند. ما در ادبیات عرفانی هم آن طور که باید و انتظار می‌رفت کار نکردیم. به نظر من با نگاهی کلی می‌توان گفت که موفق‌ترین کارها در زمینه شعر، آثار مربوط به کودکان بودند و یکی از برترین نویسندگان «شکوه قاسم‌نیا» است. اما در مورد داستانهای بعد از انقلاب باید بگویم که کمتر کارهای موفق دیدم.

نیز صائق است. شاید یکی از دلایل این امر دشواری نوشتن برای کودکان باشد. اولین نکته قابل توجه در نگارش برای کودکان، زبان کار است و در این زمینه تنها سادگی کافی نیست، بلکه شیرینی زبان و شناخت روحی مخاطبان نیز ضرورت دارد. امروز مادر حوزه شعر، بخصوص شعر نوجوانان شاهد مفاهیم مجرد و ذهنی فراوانی هستیم که غالباً برای مخاطبانشان قابل درک نیستند. اما در مورد داستان باید بگویم، برخی از قصه‌هایی که بعد از انقلاب وارد بازار شدند، به نظر من بیشتر روشنفکرانه‌اند و کمتر به درد بچه‌ها می‌خورند؛ زیرا عنصر تخیل و جادو در آنها به حد کافی نمود ندارد؛ در حالی که الگوهای شاخص ادبی مثل سفید برفی و امثال آن، به دلیل بهره‌گیری از عناصر تخیل، جادو و شاعرانگی زیاد در آنها، همچنان زیبا و جذاب‌اند. این واقعیتی است که بیشتر نویسندگان ادبیات کودک ما آدمهایی در چه دوماه‌اند؛ یعنی اکثر آنها از ابتدا وقت خود را صرف این نوع ادبیات نکردند.

نکته دیگری که امروز در حوزه ادبیات کودک و نوجوان وجود دارد، بلزنویسی و کیفیت آثاری است که از روی آثار کهن تهیه می‌شوند. به نظر من ادبیات کودک در این زمینه نیز نتوانسته است موفقیت لازم را به دست آورد. بلزنویسی زمانی ارزش دارد که با عنصر خلاقیت عجین شود؛ در حالی که بیشتر آثار بلزنویسی شده فعلی، به دلیل ضعف خلاقیت، همانند نمونه‌های اصلی تاثیرگذار و دلنشین نیستند. در همین جا لازم است به کوتاهی و قصور کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به عنوان یکی از مهمترین نهادهای حفظ و توسعه ادبیات کودک اشاره کنم. به نظر من کانون، ادبیات فولکلوریک را رها کرده است؛ ادبیاتی که گذشته از داشتن عنصر جذابیت، بومی نیز بود. کانون می‌تواند مجموعه‌ای از قصه‌های عامیانه، متلها و بازیها را منتشر کند. البته این کار گذشته از زمان، به گروه تحقیق نیاز دارد.

مسئله دیگر در زمینه ادبیات آیینی و مذهبی است. امروز، بیشتر نویسندگان ما به جای پرداخت الگویی زنده و پویا از ادبیات عرفانی ما، به مسائل خشک تاریخی اکتفا کرده‌اند و آثارشان بیشتر شبیه زندگینامه‌هاست. برای نمونه، اغلب

محمود مشرف تهرانی (م. آزاد)

چون بنده بیشتر وقت خود را به سرودن شعر، آن هم برای نوجوانان اختصاص داده‌ام، شاید بهتر باشد که برای بررسی ادبیات کودک و نوجوان، تنها در این زمینه صحبت کنم. البته نظر کلی من درباره ادبیات کودک و نوجوان همچنان ادبیات عامیانه است.

اگر به ادبیات و اشعار عامیانه ویژه کودکان توجه کنیم، می‌بینیم که شعرهای همراه با حرکت و بازی، مثل اتل، متل، توتوله یا دویدم و دویدم، هنوز هم جذاب‌اند. این گونه اشعار، غیر از آهنگ کلام و قافیه (بار موسیقایی‌شان)، مطالبی را نیز به بچه‌ها می‌آموزند؛ اما هدف اصلی از خواندن آنها، سرگرم کردن کودکان بوده است.

در حال حاضر، مضامین اغلب اشعاری که برای کودکان و به اسم آنان سروده می‌شود کودکانه نیست. این مسئله، در مورد شیوه بیان، تصاویر ذهنی (ایماژها) تصویرها و بیان کلی اشعار

کتاب ماه کودک و نوجوان

قصه‌ای درباره انقلاب نوشته باشد. اما امروز که ما به بررسی این آثار می‌پردازیم، به هیچ وجه احساس رضایت نمی‌کنیم. انقلاب، نیروی عظیمی بود که ملت ما را به حرکت در آورد، اما این نیروی عظیم در کتابهای داستان، بی‌رنگ و رو و ناتوان است. نویسندگان ما نتوانستند روح انقلاب را در آثار خود به نمایش بگذارند. به همین دلیل کودک یا نوجوان امروزی که انقلاب را ندیده است، از شنیدن یا خواندن داستانهای درباره انقلاب، نه تنها تحت تاثیر قرار نمی‌گیرد، بلکه نوعی گریز از این آثار نیز در او به وجود می‌آید. ادبیات جنگ نیز به مظلومیت ادبیات انقلاب است. کتابهایی که درباره جنگ نوشته شده‌اند، یکسو نگرند و بر این نکته تاکید دارند که جنگ خوب است. کتابهای جنگ ماهرانه نوشته نشده‌اند؛ بنابراین مورد استقبال خوانندگان خود قرار نگرفته‌اند. نکته‌ای که ما در نوشتن قصه‌های جنگ فراموش کردیم این بود که باید از احساساتی بودن و نتیجه اخلاقی گرفتن پرهیز کنیم. ما باید تصویری دقیق و واقعی از جنگ ارائه می‌دادیم؛ تصویری که هم نکات روشن و زیبا دارد و هم نکات نازیبا، تاریک و وهم آور. چنین تصویری مسلماً خواننده را به سمت و سویی هدایت می‌کند که

در مورد داستانها، آنچه به ذهن من می‌رسد، مضامین آنهاست در دوره جنگ بیشتر داستانها مضامین انقلابی داشتند و این امر در آن زمان، ضروری بود. اما امروز احساس می‌کنم که جای مضمون دیگری در ادبیات حاضر به شدت خالی است و آن، موضوع عشق است.

برخلاف پیشینه طولانی ادبیات کهن و عامیانه‌مان، مادر طی این بیست سال، کمتر به موضوع عشق در آثارمان پرداختیم. در این مدت قصه منظومی نداشتیم که به این مسئله اشاره کند و همین باعث شده است، آثار ادبی ما از لطافت و ظرافت کافی برخوردار نباشد؛ در حالی که آثار ادبیات کهن ما سرشار از این مضمون است.

برخلاف پیشینه طولانی ادبیات کهن و عامیانه‌مان، مادر طی این بیست سال، کمتر به موضوع عشق در آثارمان پرداختیم. در این مدت قصه منظومی نداشتیم که به این مسئله اشاره کند و همین باعث شده است، آثار ادبی ما از لطافت و ظرافت کافی برخوردار نباشد؛ در حالی که آثار ادبیات کهن ما سرشار از این مضمون است.

شعرهای خوب و قابل توجهی سروده است. او یکی از شاعران کودک است که نگاه کودکانه را به وضوح می‌توان در آثارش دید. در این بیست سال، بسیاری از کسانی که ابتدا به شعر کودک می‌پرداختند، تغییر مسیر دادند و به شعر نوجوان روی آوردند علت این امر، دشواری شعر سرایی برای کودکان است. در واقع شعر کودک فضای خاصی را می‌طلبد و نیازمند آن است که فرد، تمام ذهن و زبان خود را به خدمت آن بگیرد و این کار آسانی نیست. در حوزه شعر نوجوان، کار بعضی از شاعران، نسبتاً موفق بوده است؛ البته با اغماض از بعضی کاستیها و از جمله کاستیهای زبانی.

برخی از شاعران، اعم از کودک و نوجوان، هنوز با ابتدایی‌ترین مسائل زبانی مشکل دارند و نتوانستند زبان موقی داشته باشند. نکته دیگر در این بیست سال، نوعی کتابسازی است که در خدمت تجارت و جیب ناشران کار کرده است. متأسفانه برخی از ناشران، مسئولیتی را در قبال شعر کودک و نوجوان احساس نمی‌کنند و سبب گسترش و نشر کتابهایی ضعیف با حداقل اطلاعات ادبی و گاه تربیتی می‌شوند. وزارت

کودک

و نوجوان



کودک و نوجوان

خودش بتواند بزرگداشت دقیقی از جنگ داشته باشد. با این که حدود ده سال از جنگ می‌گذرد، ما هنوز منتظر آثاری در زمینه جنگ هستیم و آن ادبیات قوی و تاثیر گذار که همه ما انتظارش را می‌کشیم، هنوز متولد نشده است.

ادبیات صلح، تلوتلو خوران پیش روی ماست. ما نویسندگان، هنوز هیچ ملاک و معیاری برای نوشتن نداریم؛ خوانندگانمان را نمی‌شناسیم؛ بازار رانمی‌شناسیم؛ ناشران، بیشتر از ما با سلیقه بازار آشنا هستند و بر همین اساس سیاست گذاران واقعی هنری- ادبی کشور ما، ناشران هستند. ناشران هستند که تعیین می‌کنند من نویسنده به کارهای علمی روی بیاورم یا داستانهای بازنویسی... بیشتر نویسندگان ما، کار گزار ناشران شده‌اند و چون ناشر به اقتضای حرفه‌اش به بازگشت سرمایه فکر می‌کند، ارزش هنری- ادبی داستانها در نظر گرفته نمی‌شود. برای همین است که امروز ما با بحث کتابهای بازاری رو به رو هستیم، و این چقدر برای نویسنده- به مفهوم واقعی - سخت است که حاصل ماهها تلاش و عرقریزی روح خود را به دست‌ناشر بسپارد و با این جواب ناامید کننده رو به رو شود که: «بازار ندارد... فعلاً وقت این کتابها نیست...»

فریبا کلهر

بحث درباره ادبیات بیست ساله بعد از انقلاب، در حوزه کودک و نوجوان نیازمند تحلیلی دقیق و موشکافانه است و چنین تحلیلی جز با صرف وقت و بررسی همه‌جانبه کتابهای کودکان میسر نیست. با این حال اگر بحث را محدود به حوزه داستانی ادبیات کودکان کنیم و شعر، کتابهای آموزشی، ترجمه و... را کنار بگذاریم، شاید بتوانیم نظرات نسبتاً دقیقی ارائه دهیم.

زمینه اصلی ادبیات بیست ساله بعد از انقلاب را انقلاب و جنگ تشکیل می‌دهد. داستانهایی که در این سالها نوشته شده‌اند به شدت تحت تاثیر این دو رویداد بزرگ بوده‌اند. بنابراین شاید بتوانیم ادبیات کودکان را در این بیست سال به سه دوره تاریخی تقسیم کنیم: ادبیات انقلاب، ادبیات جنگ، ادبیات صلح.

بسیاری از نویسندگان کتابهای کودک و نوجوان، بعد از انقلاب پایه عرصه وجود گذاشتند. این افراد به شدت تحت تاثیر انقلاب بودند؛ کمتر نویسنده بعد از انقلابی را سراغ داریم که لاقل

ارشاد بایز به این مسئله توجه بیشتری کند؛ چون اینها نه تنها به کودک خدمت نمی‌کنند، بلکه باعث می‌شوند که بازار از کارهای نازل اشباع شده، رشد آثار خلاقه با محدودیت رو به رو شود.

مسئله دیگر، برخوردهای انحصاری است. در طی این بیست سال، بسیاری از جوانان سعی کرده‌اند که به عرصه شعر کودک و نوجوان وارد شوند، اما برخوردهای انحصارطلبانه برخی از نشریات و انتشاراتی‌ها مانع از حرکت آنها به سوی هدفشان شده است.

بعضی از نویسندگان، مورد مشورت برخی ناشران بزرگ هستند یا مسئولیت برخی از نشریات را به عهده دارند و این مسئله سبب شده است در سالهای اخیر فضایی به وجود آید که این افراد، همه را به صورت مساوی از امکانات؛ حتی از امکانات دولتی، برخوردار نکرده‌اند و این باعث تیرگی فضا شده است.

اما در مجموع، با توجه به تعداد شاعران، تنوع کار و راههای جدید و ناشناخته‌ای که شاعران جوان آنها را شناسایی کرده‌اند و زبان خاص این شاعران، در حوزه شعر کودک و نوجوان زمینه رقابت وسیعی فراهم شده است.